

مکارم اخلاق

مؤلف کتاب
شیخ ابن عثیمین رحمہ اللہ

تہیہ و ترتیب :
عمر رشیدی

ترجمہ :
عمر رشیدی



تاریخ : ۰۱ / المحرم / ۱۴۴۸

چاپ اول

ترجمه دری - مکارم الأخلاق

مقدمه

همه ستایش‌ها از آن الله است. او را ستایش می‌کنیم، از او یاری می‌جوییم، از او آمرزش می‌خواهیم و به سوی او توبه می‌کنیم. از شرّ نفس‌های خویش و از بدی‌های اعمال خود به الله پناه می‌بریم. هر که را الله هدایت کند، گمراه‌کننده‌ای برای او نیست و هر که را گمراه سازد، هدایت‌کننده‌ای برای او نخواهد بود. گواهی می‌دهم که هیچ معبود برحقّی جز الله یگانه نیست، شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده او است. الله متعال او را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند. او را مژده‌دهنده و بیم‌دهنده، دعوت‌کننده به سوی الله به فرمان او، و چراغی فروزان قرار داد. پس آن رسول ﷺ رسالت را رساند، امانت را ادا کرد، امت را خیرخواهی نمود و در راه الله چنان که سزاوار بود جهاد کرد تا یقین (مرگ) به سراغش آمد. الله متعال هر کس را که خواست از بندگان توفیق داد تا دعوت او را بپذیرد و به راهنمایی او هدایت یابد، و به حکمت خویش هر کس را خواست واگذاشت؛ پس از فرمان او سرپیچی کرد، خبر او را تکذیب نمود و با فرمانش به مخالفت برخاست، در نتیجه گرفتار زیان و گمراهی گردید.

اهل علم می‌گویند: **اخلاق، چهره درونی انسان است**؛ زیرا انسان دارای دو صورت است:



1. **صورت ظاهری:** همان شکل و هیئتی که الله متعال بدن انسان را بر آن آفریده

است. این صورت گاهی زیبا، گاهی زشت و گاهی میان این دو است.

2. **صورت باطنی:** این صورت نیز گاهی نیکو و گاهی زشت است، و همین

چیزی است که از آن به ﴿اخلاق﴾ تعبیر می‌شود. بنابراین اخلاق، همان حالت

و چهره درونی انسان است که بر آن سرشته شده است.

آیا اخلاق ذاتی است یا اکتسابی؟

پاسخ این است که اخلاق گاهی ذاتی و فطری است و گاهی اکتسابی.

همان گونه که انسان ممکن است به طور طبیعی دارای اخلاق نیک باشد، می‌تواند از راه

تمرین و تلاش نیز به اخلاق پسندیده دست یابد.

به همین دلیل پیامبر ﷺ به **اشج عبدالقیس** فرمودند:

﴿در تو دو خصلت وجود دارد که الله آن دو را دوست دارد: بردباری و آرامش﴾.

او پرسید: ای رسول الله! آیا این دو خصلت را خودم به دست آورده‌ام یا الله مرا بر

آن‌ها سرشته است؟

پیامبر ﷺ فرمودند:

«بلکه الله تو را بر آن دو سرشته است»

پس او گفت:

سپاس الله را که مرا بر دو خصلتی سرشته است که الله و رسولش آن‌ها را «دوست دارند»

این حدیث نشان می‌دهد که اخلاق نیکو و پسندیده گاهی فطری و ذاتی است.



بدون شک اخلاقی که به صورت طبیعی در انسان باشد، از اخلاقی که با تمرین به دست آمده بهتر است؛ زیرا صاحب آن در عمل به آن نیاز به تکلف و زحمت ندارد، بلکه آن اخلاق جزئی از سرشت و طبیعت او شده است.

اما این فضل و بخشش الهی است که به هر کس بخواهد عطا می‌کند. و کسی که از این نعمت محروم باشد، می‌تواند از راه تمرین، ممارست و مجاهدت با نفس به آن دست یابد.

کدام بهتر است: اخلاق فطری یا اخلاقی که با مجاهدت به دست می‌آید؟

در اینجا پرسشی مطرح می‌شود:

اگر یک نفر به طور طبیعی دارای اخلاق نیک باشد، و شخص دیگری برای رسیدن به اخلاق نیک با نفس خود مبارزه کند، کدام یک مقام بالاتر و پاداش بیشتری دارد؟

پاسخ این است که کسی که به صورت طبیعی دارای اخلاق نیک است، از جهت کامل بودن اخلاق در مرتبه بالاتری قرار دارد؛ زیرا بدون رنج و سختی و در همه حالات و مکان‌ها دارای اخلاق نیک می‌باشد.

هر زمان و هر جا که او را ببینی، او را خوش اخلاق می‌یابی. این اخلاق برای او ساخته شده است و از این جهت کامل‌تر است.

اما کسی که با تمرین، مجاهدت و تلاش به اخلاق نیک دست یافته است، از جهت مبارزه با نفس پاداش می‌یابد؛ هر چند از نظر استواری و کمال اخلاق به اندازه شخص



اول نمیباشد. بنابراین اگر کسی هر دو ویژگی را داشته باشد؛ یعنی هم طبیعتاً خوش اخلاق باشد و هم با تمرین آن را تقویت کرده باشد، این کامل ترین حالت است.

مردم در این زمینه چهار دسته اند:

1. کسی که از اخلاق نیک محروم است.
2. کسی که به طور طبیعی خوش اخلاق است، اما آن را تقویت نمی کند.
3. کسی که به طور طبیعی خوش اخلاق است و آن را با تلاش و تمرین افزایش می دهد.
4. کسی که طبیعتاً چنین نیست، ولی با کوشش و تمرین به اخلاق نیک دست می یابد.

پس از نظر کمال اخلاق، کسی که فطرتاً خوش اخلاق است برتر است، و از نظر پاداش مجاهدت، کسی که با تلاش به اخلاق نیک رسیده، اجر بیشتری دارد.

آیا اخلاقی وجود دارد که در قرآن و سنت نیامده باشد؟

پیامبر ﷺ فرمودند:

«من فقط برای کامل کردن مکارم اخلاق مبعوث شده ام»

ادیان و شریعت های پیشین نیز مردم را به اخلاق نیک دعوت می کردند. علما گفته اند که همه شریعت های الهی بر فضیلت اخلاق نیک اتفاق دارند، اما شریعت اسلام کامل ترین شکل آن را آورده است.

برای مثال:



اگر شخصی به دیگری جنایتی وارد کند، آیا باید از او قصاص گرفته شود یا نه؟
علما گفته‌اند:

- در شریعت یهود، قصاص حتمی بود و مدعی حق گذشت نداشت.
- در شریعت نصارا، اصل بر عفو و گذشت بود.

اما شریعت اسلام هر دو جنبه را در خود جمع کرده است؛ هم قصاص را مشروع دانسته و هم عفو را. در قصاص، عدالت و جلوگیری از ظلم وجود دارد؛ و در عفو، احسان، بزرگواری و گذشت. از این رو اسلام کامل‌ترین راه را آورده و صاحب حق را میان قصاص و عفو اختیار داده است؛ تا هر کدام را که در آن مصلحت بیشتری می‌بیند انتخاب کند.

شاخه های اخلاق نیکو

بسیاری از مردم گمان می‌کنند اخلاق نیکو تنها در رفتار با مردم است؛ در حالی که این برداشت ناقص است. همان‌گونه که اخلاق نیکو در رفتار با بندگان وجود دارد، اخلاق نیکو در مقابل پروردگار هم می‌باشد.

پس اخلاق نیکو دو بخش تقسیم می‌شود:

1. اخلاق نیکو داشتن با الله متعال.

2. اخلاق نیکو داشتن با مردم.

این نکته بسیار مهم است و باید به آن توجه شود.



اخلاق نیکو در برابر الله متعال

2. اخلاق نیکو با الله سبحانه و تعالی بر سه اصل استوار است:
 1. تصدیق کامل آنچه از جانب الله سبحانه و تعالی آمده است.
 2. پذیرش و اجرای احکام الله.
 3. صبر و رضایت در مقابل آنچه الله سبحانه و تعالی مقدر کرده است یعنی قدر.
- این سه اصل، اساس اخلاق نیکو با پروردگار را تشکیل می دهند.

۱. تصدیق اخبار الله

انسان نباید در مقابل آنچه از جانب الله آمده باشد بشکل اخبار شک و تردیدی داشته باشد؛ زیرا آنچه از جانب الله آمده است بر پایه علم کامل استوار است و او راستگوترین اخبار و سخنان میباشد. هرگاه بنده این اخلاق را در خود ایجاد کند، می تواند هر شبهه ای را که مخالفان درباره قرآن و سنت مطرح می کنند رد نماید.

چنانکه در صحیح بخاری آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند:

هرگاه مگس در ظرف نوشیدنی یکی از شما افتاد، آن را کاملاً فرو ببرد، «
» زیرا در یکی از بال های آن بیماری و در دیگری شفا است

وظیفه مؤمن در برابر این حدیث آن است که آن را با ایمان و پذیرش بپذیرد و یقین داشته باشد که سخن پیامبر ﷺ حق است.

مؤمن می داند که هر چیزی که با سخن صحیح پیامبر ﷺ مخالفت داشته باشد، باطل است؛ زیرا پس از حق چیزی جز گمراهی وجود ندارد.

نمونه‌ای دیگر از تصدیق اخبار غیبی

پیامبر ﷺ خبر داده‌اند که در روز قیامت خورشید به اندازه یک میل به مردم نزدیک می‌شود. این فاصله هر معنایی که داشته باشد، فاصله‌ای بسیار اندک است. در حالیکه مردم با وجود نزدیکی خورشید نمی‌سوزند؛ در حالی که اگر خورشید در دنیا به این اندازه نزدیک می‌شد، همه چیز نابود می‌گردید. ممکن است کسی بگوید: چگونه خورشید این قدر نزدیک می‌شود و مردم همچنان باقی می‌مانند؟ اخلاق نیکو در برابر چنین خبر آن است که آن را با ایمان و اطمینان بپذیریم و هیچ تردید یا ناراحتی در دل خود راه ندهیم؛ زیرا سخن پیامبر ﷺ حق است. نباید احوال آخرت را با احوال دنیا مقایسه کنیم؛ زیرا میان دنیا و آخرت تفاوتی بسیار بزرگ وجود دارد. ما می‌دانیم که مردم در روز قیامت پنجاه هزار سال در موقف حساب می‌ایستند، در حالی که در دنیا هیچ انسانی توان ایستادن چنین مدتی را ندارد. پس مؤمن این خبرها را با آرامش، اطمینان و گشاده‌دلی می‌پذیرد.

۲. پذیرش و اجرای احکام الله

انسان نباید هیچ حکمی از احکام الله را رد کند. رد کردن احکام الهی، خواه از روی انکار، خواه از روی تکبر و خواه از روی سستی و بی‌اعتنایی، نشانه بد اخلاقی در مقابل الله متعال می‌باشد.

مثال دیگر: روزه رمضان

روزه بدون شک بر نفس انسان دشوار است؛ زیرا انسان از چیزهایی که به آن عادت دارد مانند خوردن، نوشیدن و روابط زناشوی خودداری می‌کند. اما مؤمنی که با



پروردگارش خوش اخلاق است، این تکلیف را با رضایت و گشاده دلی می پذیرد. بلکه بهتر است گفته شود این یک ﴿تشریف﴾ و افتخار برای مومن است. از این رو مؤمن روزهای گرم و طولانی را روزه می گیرد، در حالی که دلش آرام و سینه اش گشاده است؛ زیرا می داند که فرمان پروردگارش را انجام می دهد. اما کسی که اخلاق نیک با الله ندارد، روزه را با ناراحتی و بی میلی انجام می دهد و اگر از عقوبت های ترک آن نمی ترسید، شاید آن را رها می کرد.

مثال دیگر: نماز

نماز برای برخی مردم **دشوار** است، به ویژه برای منافقان.

پیامبر ﷺ فرمودند:

«دشوار ترین نمازها بر منافقان، نماز عشاء و نماز فجر میباشد»

اما برای مؤمن چنین نیست.

الله متعال می فرماید: «**بواسطه صبر و نماز کمک بجوئید، و همانا نماز دشوار است مگر بر فروتنان**»

نماز برای اهل ایمان آسان و محبوب است.

پیامبر ﷺ فرمودند:

«روشنی چشم من در نماز قرار داده شده است»



بنابر این اخلاق نیکو با الله سبحانه و تعالی در نماز آن است که انسان آن را با شوق، آرامش و خوشحالی انجام دهد. به گونه‌ای که پس از نماز فجر مشتاق نماز ظهر باشد، و پس از ظهر مشتاق عصر، و پس از عصر مشتاق مغرب، و پس از مغرب مشتاق عشاء، و پس از عشاء در انتظار نماز فجر باشد. وقتی دل انسان همواره به نمازها وابسته باشد، این از نشانه‌های اخلاق نیکو با الله سبحانه و تعالی می‌باشد.

مثال دیگر: تحریم سود

الله متعال سود را به صراحت حرام کرده است. مؤمن این حکم را با رضایت، تسلیم و اطمینان می‌پذیرد. اما کسی که ایمانش ضعیف است، ممکن است سینه‌اش از این حکم تنگ شود و برای حلال جلوه دادن سود به انواع مختلف حیل‌ها دچار گردد. در حالی که سود هر چند در ظاهر منفعت تضمین شده به نظر می‌رسد، در حقیقت ظلم به دیگران است.

به همین سبب الله متعال فرمود:

«نه ستم کنید و نه بر شما ستم شود»

۳. پذیرش آنچه مقدر کرده است الله سبحانه و تعالی با صبر و رضایت

این سومین اصل از اصول اخلاق نیکو با الله است. همه می‌دانیم که همه چیزهایی که الله سبحانه و تعالی مقدر کرده است به انسان الهی مطابق میل انسان نمی‌باشد.



بطور مثال:

- بیماری برای انسان خوشایند نمیباشد.
- فقر برای انسان خوشایند نمیباشد.
- نادانی برای انسان خوشایند نمیباشد.

انسان دوست دارد سالم، ثروتمند و دانا باشد. اما الله متعال به حکمت خویش مقدرات گوناگونی را برای بندگان قرار داده است؛ برخی مطابق میل آنان است و برخی نه.

پس اخلاق نیکو در برابر تقدیرهای الهی چیست؟ آن است که انسان به آنچه الله برایش مقدر کرده راضی باشد، به آن آرامش یابد و یقین داشته باشد که الله سبحانه و تعالی چیزی را جز به خاطر حکمتی نیکو و ستوده مقدر نمی کند. بنابراین اخلاق نیکو با الله در برابر تقدیرها این است، که بنده تسلیم، راضی و آرام باشد. به همین دلیل الله متعال صابران را ستوده و فرموده است:

و صابران را بشارت ده؛ کسانی که هرگاه مصیبتی به آنان برسد می گویند: ما «از آن الله هستیم و به سوی او باز می گردیم»

اخلاق نیکو در برخورد با مردم

پس از بیان اخلاق نیکو با الله متعال، به اخلاق نیکو با مردم می پردازیم. بعضی از علما اخلاق نیکو با مردم را چنین تعریف کرده اند:

«خودداری از آزار، بخشش و خوش رویی»

این سه اصل، اساس اخلاق نیکو با مردم را تشکیل می دهند.



۱. خودداری از آزار رساندن

منظور این است که انسان آزار خود را از دیگران بازدارد؛ خواه این آزار مربوط به مال آنان باشد، یا جان آنان، یا آبرو و حیثیت آنان. کسی که مردم را با گرفتن اموالشان، خیانت، فریب، اذیت بدنی و مالی، دشنام، غیبت و مانند آن آزار می‌دهد، دارای اخلاق نیکو نبوده؛ بلکه دارای اخلاق بد می‌باشد.

پیامبر ﷺ در بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان در حجة الوداع فرمودند:

همانا خون‌های شما، اموال شما و آبروهای شما بر یکدیگر حرام است؛ همانند «حرمت این روز شما، در این ماه شما و در این شهر شما»

بنابراین تعرض به جان، مال یا آبروی مسلمانان با اخلاق نیکو سازگار نیست. هر چه حق شخص بر انسان بیشتر باشد، گناه آزار او نیز بزرگ‌تر است.

بطور مثال:

- بدرفتاری با پدر و مادر بزرگ‌تر از بدرفتاری با دیگران است.
- بدرفتاری با خویشاوندان شدیدتر از بدرفتاری با افراد بیگانه است.
- آزار همسایه از آزار کسی که همسایه نیست سنگین‌تر می‌باشد.

به همین دلیل پیامبر ﷺ فرمودند:

«به الله سوگند ایمان ندارد، به الله سوگند ایمان ندارد، به الله سوگند ایمان ندارد.»

صحابه پرسیدند: چه کسی یا رسول الله؟

فرمودند:

«کسی که همسایه‌اش از آزار او در امان نباشد» .

بخشش و نیکی به مردم

یعنی **بخشش** ، سخاوتمندی و نیکی کردن به دیگران.

بسیاری گمان می‌کنند که سخاوتمندی فقط در بخشیدن مال است، در حالی که این گونه

نیست. سخاوت انواعی دارد:

سخاوتمندی با مال : مانند کمک مالی به نیازمندان.

سخاوتمندی با مقام و اعتبار : مانند اینکه انسان برای حل مشکلات مردم از نفوذ

و جایگاه خود استفاده کند.

سخاوتمندی با علم : مانند آموزش علم و راهنمایی مردم.

بنابراین اگر کسی نیازهای مردم را برطرف کند، برای آنان واسطهٔ خیر شود، دانش

خود را به آنان بیاموزد و از مالش به آنان ببخشد، پس این شخص دارای اخلاق نیکو

با مردم میباشد.

پیامبر ﷺ فرمودند:

**هرجا که هستی از الله بترس، و پس از کار بد، کار نیک انجام بده تا آن را از «
» بین ببرد، و با مردم با اخلاق نیک رفتار کن**

گذشت و عفو از مردم

از جمله رفتارهای نیکو آن است که اگر کسی به انسان ظلم کرد یا بدی رساند، او را

ببخشد و از او درگذرد. الله متعال کسانی را که از مردم گذشت می‌کند ستوده است.



الله سبحانه و تعالی درباره اهل بهشت می فرماید:

«آنان خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند، و الله نیکوکاران را دوست دارد»

و الله سبحانه و تعالی میفرماید:

«و اگر گذشت کنید، به تقوا نزدیکتر است»

و همچنان الله سبحانه و تعالی میفرماید:

«باید عفو کنند و درگذرند»

ثمره عفو و یا بخشش

انسان ناگزیر در زندگی با آزار و بدرفتاری برخی مردم روبه رو می شود. اگر در برابر بدی آنان گذشت کند و با نیکی پاسخ دهد، دشمنی به دوستی تبدیل می شود.

الله متعال می فرماید:

«بدی را با چیزی که بهتر است دفع کن؛ آنگاه خواهی دید کسی که میان تو و او دشمنی بود، گویا دوست صمیمی شده باشد»

این از بزرگترین آثار اخلاق نیکو می باشد. اما این مقام نصیب هر کسی نمی شود؛ بلکه نصیب کسانی می شود که صبر و استقامت دارند.

آیا همیشه بخشش بهتر است؟

ممکن است کسی گمان کند که در هر حال باید گذشت کرد؛ اما چنین نیست. عفو و یا بخشش زمانی پسندیده است که موجب اصلاح شود. اگر گذشت باعث جرأت بیشتر ظالم بر ظلم و فساد گردد، در چنین حالتی مجازات او بهتر و مناسب تر است.



شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید:

**اصلاح واجب است و بخشش مستحب؛ پس اگر عفو سبب از بین رفتن «
» اصلاح شود، مقدم داشتن مستحب بر واجب صحیح نیست**

بنابراین معیار اصلی، تحقق مصلحت و اصلاح است.

مسئله گذشت از دیه (حاصل کردن مال به بدل بخشش مجرم) در حوادث

در اینجا به موضوعی اشاره میکنیم که بسیاری از مردم آن را از روی نیت خیر انجام می دهند. گاهی حادثه ای رخ می دهد و در نتیجه آن شخصی جان خود را از دست می دهد. سپس وارثان مقتول از دیه شخصی که سبب حادثه شده صرف نظر می کنند و آن را از نشانه های احسان و اخلاق نیک می دانند. اما آیا همیشه چنین گذشتی پسندیده است؟ پاسخ این است که این مسئله نیاز به تفصیل دارد. باید ابتدا وضعیت شخصی که سبب حادثه شده بررسی شود: اگر او فردی بی احتیاط و عادت کرده به آسایش باشد، به گونه ای که به جان مردم اهمیت ندهد و بداند هرگاه حادثه ای رخ دهد می تواند پول را بپردازد، در این صورت گذشت از حق ممکن است باعث ادامه بی احتیاطی و فساد او گردد. اما اگر شخصی محتاط، متعادل و اهل مسئولیت باشد و حادثه بدون قصد و با وجود رعایت احتیاط رخ داده باشد، گذشت در حق او شایسته تر است. حتی در چنین حالتی نیز باید به نکته ای توجه شود: اگر شخص فوت شده قرضدار بوده باشد و تنها راه پرداخت آن قرض، دیه باشد، در این صورت وارثان حق ندارند از دیه صرف نظر کنند؛ زیرا حق طلبکاران مقدم بر حق وارثان است.



به همین دلیل الله متعال در آیات ارث بارها می فرماید:

«پس از اجرای وصیت و پرداخت قرض»

بنابراین انسان باید پیش از گذشت از دیه، حقوق دیگران را نیز در نظر بگیرد.

۳. خوش رویی و گشاده رویی

سومین پایه اخلاق نیکو، خوش رویی میباشد.

یعنی انسان با چهره‌ای باز، لبخند به روی و برخوردی دوستانه با مردم روبه‌رو شود.

پیامبر ﷺ فرمودند:

هیچ کار نیکی را کوچک مشمار، حتی اگر برادرت را با چهره‌ای گشاده «
ملاقات کنی»

خوش رویی سبب می شود:

- محبت میان مردم افزایش یابد.
- دوستی و الفت بیشتر شود.
- دل‌ها به یکدیگر نزدیک گردد.
- خود انسان نیز احساس آرامش و نشاط کند.

اما زشت بودن و ترش رویی نتیجه عکس دارد؛ مردم را از انسان دور می سازد و باعث نفرت و بی رغبتی آنان می شود. گشاده رویی و آرامش درونی در سلامت جسمی نیز اثر مثبت دارد و انسان را از بسیاری از فشارهای روحی دور می سازد.



بنابراین این سه اصل:

1. خودداری از آزار

2. بخشش و نیکی

3. خوش رویی

اساس اخلاق نیکو در برخورد با مردم میباشد.

خوش رفتاری با دوستان، خویشاوندان و خانواده

از نشانه‌های اخلاق نیکو این است که انسان با دوستان، بستگان و اعضای خانواده خود خوش رفتار باشد. باید تا حد امکان در چارچوب شریعت، باعث خوشی و آسایش آنان شود. البته این قید مهم است؛ زیرا بعضی از مردم تنها از راه گناه و نافرمانی خوشحال می‌شوند و چنین چیزی جایز نیست. اما شاد کردن خانواده، دوستان و خویشاوندان در حدود شریعت، از اخلاق نیکو به شمار می‌آید.

پیامبر ﷺ فرمودند:

**بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهترین باشد، و من برای «
».خانواده‌ام بهترین شما هستم**

اشتباه برخی مردم

متأسفانه برخی افراد با مردم بیرون از خانه بسیار خوش اخلاق‌اند، اما با خانواده خود بد رفتاری می‌کنند. این در حقیقت پوشاندن حقایق است.



چگونه ممکن است انسان با بیگانگان خوش رفتار باشد اما با نزدیک‌ترین افراد زندگی خود بد رفتاری کند؟

برخی می‌گویند:

چون میان ما و خانواده تکلفی وجود ندارد، بنابراین هر چه خواستیم می‌گوییم و ﴿هر گونه خواستیم رفتار می‌کنیم﴾

اما این توجیه درستی نیست. خانواده و خویشاوندان بیش از دیگران شایسته نیکی و خوش رفتاری ما اند.

به همین دلیل وقتی شخصی از پیامبر ﷺ پرسید:

﴿چه کسی بیش از همه سزاوار خوش اخلاقی من است؟﴾

پیامبر ﷺ فرمودند: «مادرت».

پرسید: سپس چه کسی؟

فرمودند: «مادرت».

پرسید: سپس چه کسی؟

فرمودند: «مادرت».

پرسید: سپس چه کسی؟

فرمودند: «پدرت».

پس نیکی به خانواده و خویشاوندان از مهم‌ترین جلوه‌های اخلاق نیکو است.



علم همراه با تربیت

حالا به نکته مهمی اشاره می‌کنیم و آن اهمیت تربیت در کنار علم است.

شایسته است که از حضور جوانان در این جامعه و به‌خصوص مکاتب استفاده شود و آنان را بر اخلاق نیکو تربیت کنیم؛ تا این مراکز تنها محل آموزش نباشند، بلکه محل تربیت نیز باشند. زیرا علم بدون تربیت گاهی زیانش بیشتر از سودش می‌شود؛ اما هنگامی که علم با تربیت همراه گردد، انسان را به هدف اصلی آن می‌رساند.

الله متعال می‌فرماید:

«بلکه ربانی باشید؛ زیرا شما کتاب را آموزش می‌دادید و آن را می‌آموختید»

یعنی انسان باید هم عالم باشد و هم مربی، و مردم را بر اساس شریعت الله تربیت کند. از این رو این‌گونه مراکز باید میدان رقابت در اخلاق نیک و تربیت صحیح باشند.

اخلاق فطری و اخلاق کسبی

پیش‌تر بیان شد که اخلاق نیکو گاهی فطری و گاهی کسبی می‌باشد. همچنین گفته شد که اخلاق فطری کامل‌تر است؛ زیرا به صورت سرشت و طبیعت در انسان وجود دارد.

دلیل آن نیز همان حدیث اشج عبدالقیس است که پیامبر ﷺ فرمودند:

«بلکه الله تو را بر آن دو خصلت سرشته است»



اخلاق فطری به آسانی از انسان جدا نمی‌شود؛ زیرا جزئی از طبیعت او شده است. اما اخلاقی که از راه تمرین و مجاهدت به دست آمده، گاهی در برخی شرایط سست می‌شود؛ زیرا نیازمند مراقبت و تلاش دائمی دارد.

سفارش پیامبر ﷺ درباره خشم

روزی مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت:

«یا رسول الله! مرا وصیتی کنید»

پیامبر ﷺ فرمودند:

«خشمگین مشو»

آن مرد چند بار درخواست خود را تکرار کرد و پیامبر ﷺ هر بار فرمودند:

«خشمگین مشو»

همچنین پیامبر ﷺ فرمودند:

نیرومند واقعی کسی نیست که دیگران را بر زمین بزند، بلکه نیرومند واقعی «کسی است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد»

ارزش کنترل خشم

بسیاری از مردم قدرت را در غلبه بر دیگران می‌دانند. اما پیامبر ﷺ معیار دیگری را بیان کرده‌اند. انسانی که هنگام خشم بتواند خود را کنترل کند، از دیدگاه اسلام قوی‌تر و شجاع‌تر از کسی است که دیگران را شکست می‌دهد. زیرا غلبه بر نفس از غلبه بر



دیگران دشوارتر است. به همین دلیل کنترل خشم از بزرگ‌ترین فضیلت‌های اخلاقی به شمار می‌رود.

هنگام خشم چه باید کرد؟

با استفاده از رهنمودهای شرعی بیان می‌کنیم که هرگاه انسان خشمگین شد:

1. به الله از شیطان رانده‌شده پناه ببرد.

2. اگر ایستاده باشد بنشیند.

3. اگر نشسته باشد دراز بکشد.

4. اگر خشم ادامه یافت وضو بگیرد.

این کارها سبب آرام شدن خشم و فرو کردن هیجان می‌شود.

چگونه می‌توان اخلاق نیک را به دست آورد؟

در اینجا بیان می‌کنیم که اخلاق نیک قابل اکتساب است و انسان می‌تواند با تلاش آن را در خود ایجاد کند. اینجا چند راه مهم را ذکر می‌کنیم:

۱. مطالعه قرآن و سنت

انسان باید در آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ که درباره فضیلت اخلاق نیک وارد شده‌اند تأمل کند. زیرا مؤمن وقتی می‌بیند الله و رسولش چیزی را ستوده‌اند، به سوی آن رغبت پیدا می‌کند.

۲. همنشینی با افراد خوش اخلاق

یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب اخلاق نیک، مصاحبت با انسان‌های صالح و خوش اخلاق می‌باشد.



پیامبر ﷺ فرمودند:

مثال همنشین نیک و همنشین بد، مانند فروشندهٔ عطر و آهنگر است. فروشندهٔ عطر یا به تو عطر می‌بخشد، یا از او می‌خری، یا دست‌کم بوی خوشی از او به تو می‌رسد. اما آهنگر یا لباس تو را می‌سوزاند یا بوی بدی از او به تو می‌رسد.»

بنابراین جوانان باید با کسانی همنشین شوند که به اخلاق نیک شناخته شده‌اند و از افراد بدخلق و اهل رفتارهای ناپسند دوری کنند. چنین همنشینی خود مدرسه‌ای برای پرورش اخلاق نیک می‌باشد.

۳. فکر کردن به انجام بد اخلاق بد

انسان باید دربارهٔ نتایج بد اخلاق فکر کند.

زیرا شخص بد اخلاق:

- نزد مردم منفور می‌شود.
- از او دوری می‌کنند.
- به بدی یاد می‌شود.
- احترام خود را از دست می‌دهد.

وقتی انسان این نتایج بد را در نظر بگیرد، انگیزهٔ بیشتری برای ترک اخلاق بد و آراسته شدن به اخلاق نیک برای وی پیدا خواهد شد.

الگوی نیکوی ما: رسول الله صل الله علیه وسلم است
برای ما بهترین الگو و نمونه، رسول الله ﷺ است.

پیامبر ﷺ نیکوترین انسان از نظر اخلاق بودند.

چنان که الله متعال دربارهٔ ایشان می‌فرماید:

«و بی‌گمان تو دارای بهترین اخلاقی هستی»

تمام حوادث و رویدادهایی که در زندگی پیامبر ﷺ رخ داده است، گواه روشنی بر
بزرگی اخلاق ایشان است.

مهربانی پیامبر ﷺ با کودکان

رسول الله ﷺ حتی با کودکان نیز با نهایت مهربانی و خوش اخلاقی رفتار می‌کردند. با
آنان شوخی می‌کردند، محبت نشان می‌دادند و با زبان کودکانه با آنان سخن می‌گفتند.
روزی کودکی به نام ابوعمیر پرندهٔ کوچکی داشت که به آن ﴿نُعَیر﴾ گفته می‌شد. آن
پرنده مرد و کودک بسیار اندوهگین شد.

پیامبر ﷺ برای دلجویی از او با مهربانی‌پرسید:

«ای ابوعمیر! نُعَیر چه شد؟»

این سخن کوتاه نشان‌دهندهٔ توجه پیامبر ﷺ به احساسات کودکان و اخلاق نیکو
ایشان است.

اعرابی که در مسجد ادرار کرد

روزی مردی بادیه‌نشین وارد مسجد شد و در گوشه‌ای از مسجد ادرار کرد.

صحابه رضی الله عنهم بر او خشمگین شدند و خواستند با تندی مانع او شوند.
اما پیامبر ﷺ آنان را از این کار بازداشتند و فرمودند تا او را رها کنند تا کارش را تمام کند. پس از پایان کار، پیامبر ﷺ دستور دادند ظرفی از آب بیاورند و آن را بر محل ادرار

بریزند. سپس آن مرد را فراخواند؛  فرمودند:

این مسجدها برای چنین چیزهایی ساخته نشده‌اند؛ بلکه برای نماز، ذکر الله و «
تلاوت قرآن هستند»

در این رفتار پیامبر ﷺ اخلاق عظیمی نهفته است:

• او را تحقیر نکردند.

• سرزنش ننمودند.

• فریاد نکشیدند.

بلکه با نرمی و حکمت آموزش دادند.

مردی که در رمضان با همسرش نزدیکی کرد

مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: «ای رسول الله! هلاک شدم».

پیامبر ﷺ فرمودند: «چه چیزی تو را هلاک کرده است؟»

گفت: «در روز رمضان با همسرم نزدیکی کردم، در حالی که روزه بودم».

پیامبر ﷺ او را سرزنش نکردند و بر او فریاد نزدند.

بلکه فرمودند: «آیا برده‌ای داری که آزاد کنی؟»

گفت: نه.

فرمودند: «آیا می‌توانی دو ماه پی‌درپی روزه بگیری؟»

گفت: نه.

فرمودند: «آیا توانایی داری شصت مسکین را غذا بدهی؟»

گفت: نه.

پس مرد نشست.

مدتی بعد برای پیامبر ﷺ زنبیلی

پیامبر ﷺ آن را به مرد دادند و فرمودند: «این را صدقه بده»

مرد گفت: «ای رسول الله! آیا به کسی فقیرتر از ما بدهم؟ در سراسر مدینه

خانواده‌ای فقیرتر از خانواده ما نیست»

پیامبر ﷺ آن قدر خندیدند که دندان‌های مبارکشان نمایان شد، سپس فرمودند:

«پس برو و آن را به خانواده خود بخوران»

این داستان نیز نمونه‌ای از حلم، مهربانی و اخلاق والای رسول الله ﷺ است.

آیا کفار از مسلمانان خوش اخلاق‌ترند؟

❖. کفار در معامله، خرید و فروش و رفتار اجتماعی از مسلمانان خوش اخلاق‌ترند؟ ❖

پاسخ این است که این سخن به صورت مطلق درست نیست. در میان مسلمانان افرادی

هستند که دروغ می‌گویند، خیانت می‌کنند و تقلب می‌نمایند، و این رفتارها بدون شک

ناپسند است. اما اینکه گفته شود که کفار به طور کلی از مسلمانان خوش اخلاق‌ترند،

سخنی دقیق نیست. بسیاری از کسانی که به کشورهای غربی رفته‌اند، رفتارهای زشت

فراوانی را نیز در آن جوامع دیده‌اند.

در اینجا شاعر گفته است:

چشم رضایت از هر عیبی نابیناست؛
و چشم خشم، همه عیب‌ها را آشکار می‌کند.

یعنی اگر انسان شیفته گروهی شود، خوبی‌های آنان را بزرگ و عیب‌هایشان را کوچک می‌بیند؛ و اگر از گروهی ناراضی باشد، برعکس عمل می‌کند. بسیاری از رفتارهای خوب در معاملات تجاری غربی‌ها الزاماً از روی فضیلت اخلاقی نیست، بلکه گاهی برای جلب مشتری، افزایش فروش و توسعه منافع مالی انجام می‌شود. انسان وقتی در معامله راستگو، منزه از شهوات و خرد باشد، مشتریان بیشتری جذب می‌کند و سود بیشتری به دست می‌آورد. بنابراین نباید هر رفتار خوبی را نشانه کمال اخلاق دانست؛ بلکه باید انگیزه‌ها و واقعیت‌ها را نیز در نظر گرفت. ممکن است کسی در برخی معاملات خوش برخورد باشد، اما در مسائل دیگر دارای بدترین اخلاق و رفتار باشد. از این رو معیار واقعی اخلاق، پابندی به هدایت الهی و ارزش‌هایی است که الله و رسولش بیان کرده‌اند. اخلاق نیکو تنها به لبخند زدن یا خوش رفتاری در خرید و فروش محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل:

راستگویی - امانتداری - وفاداری - عدالت - عفت - گذشت - بردباری - صبر -

تواضع - احسان به مردم

و دیگر فضیلت‌های اخلاقی است که اسلام به آنها دعوت کرده است.